

جذب نخبگان

% حساسیت و راهکارها %

حمیدرضا کپود

## جذب نخبگان % حساسیت ها و راهکارها %

### حمید رضا کهپود

اصطلاح فرار مغزها از ترجمه واژه Brain Drain گرفته شده است. واژه Drainage و Drain به معنی زهکشی و خشک شدن می باشد. به عبارت دیگر خروج نخبگان به علت وجود یک جبر طبیعی یا خشک شدن در سرزمین و بستر بوجود می آید و در حقیقت اینگونه افراد خود را قربانیان توسعه نیافتگی می داند. هر چند از دهه ۸۰ میلادی واژه چرخش مغزها به جای فرار مغزها مطرح شده است ولی همانطوریکه در ذیل توضیح خواهیم داد در حال حاضر هر دو آنها کاربرد دارند. قبل از هر چیز لازم است (مختصری) به خروج نخبگان و خسارات ناشی از آن با دقت بیشتری بپردازیم.

بنا به گزارش صندوق بین المللی پول سرمایه ایرانیان مقیم خارج از کشور بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود که این رقم معادل ۳۰ سال صدور کالای نفتی و غیر نفتی کشور است. طبق آمار ۲۵۰ میلیون مهاجر در سراسر دنیا پراکنده اند که از این بین ۳ میلیون مهاجران ایرانی هستند.

۲/۳ میلیون نفر از مهاجران ایران در آمریکا و کانادا زندگی می کنند. این افراد معمولاً % صاحب متنفذترین مشاغل بوده و نیز در بین کشورهای آسیایی بیشترین نیروی کار تحصیلکرده مقیم خارج از کشور مربوط به ایران می باشد. متوسط درآمد این افراد در آمریکا ۵۵۰۰۰ دلار در سال برآورده شده است. در صورتیکه متوسط درآمد خود آمریکائیان ۳۳۰۰۰ دلار در سال درج شده است. در سال ۱۳۷۳ تعداد استادان و دانشیاران در کشور ۱۸۲۶ نفر برآورد شده است. حال آنکه در همین زمان ۱۵۰۰ استاد ایرانی در دانشگاههای آمریکا (۱۲۰۰ نفر) و کانادا (۳۰۰ نفر) مشغول به کار بودند. (رئیس دانشگاه ایالتی کالیفرنیا) دکتر حمید شیروانی (اولین خارجی رئیس دانشگاه در آمریکا است).

مطالعات و بررسیهای صورت پذیرفته طی مصاحبه با نخبگان خارج از کشور نشان می دهد که غیر از موارد مربوط به کمبود امکانات آموزشی و بی توجهی به جایگاه علم و عالم، عدم وجود شایسته سالاری پایین بودن میزان امید جوانان به آینده در رابطه با شغل، میزان درآمد و توانایی تشکیل زندگی عوامل

دیگری نظیر ناهماهنگی کلی بین نگرش مسئولان در جذب نخبگان و نحوه برخورد با آنان نیز در این قضیه موثر بوده است .

لیکن به لحاظ جامعه شناسی و تئوریک کشورهای پیشرفته صنعتی این موضوع را در قالب دیگری مدیریت می کنند و آن بحث ۹۰٪ نظام جهانی والراشتاین ۱۰٪ شوروی والراشتاین ۱٪ می باشد . مطابق این تئوری کشورهای پیشرفته با برنامه ریزی دقیقی که از دهه ۸۰ میلادی آغاز کرده اند پروژه سوء استفاده از دیگر کشورها را در ۳ فاز دنبال می کنند . در مرحله اول کشورهای توسعه نیافته عامل تامین مواد اولیه ارزان قیمت برای تاسیسات و کارخانه های آنها بوده اند . سپس در مرحله دوم به این فکر افتاده اند که با توجه به قیمت پایین نیروی انسانی محل تولید را به مکانهایی که هزینه کار در آنجا پایین است منتقل کنند و در مرحله سوم که در حال حاضر است با ایجاد توانایی های معمول در کشورهای خود آنها و ساخت دانشگاهها و پلی تکنیک ها و ارتقاء علمی آنان نخبگان تربیت شده را با کمترین هزینه به کشور خود فراخوانند . آمار خروج المپیادی ، رتبه های اول کنکور پذیرفته شده در دانشگاه صنعتی شریف ، تهران و پلی تکنیک ، برگزیدگان جشنواره خوارزمی موید این مطلب است . طبق این تئوری که از دیر باز در کشورهای مقتدر مطرح بوده است<sup>۷</sup> دولتها را از نظر حاکم بودن به یک مقیاس واحد و شبیه به هم تقسیم می کنند ولی از لحاظ جایگاه اقتصادی در جاهای مختلفی قرار می گیرند . کشورها یا کشور خاصی مثل آمریکا به عنوان کشوری که در آن تمرکز سرمایه به حداکثر خود رسیده است کشور کانون و یا موقعیت مرکزی نام دارد و در همین حال بر اساس تئوری اقتصاد سرمایه داری جهان به کشورهایی که تمرکز سرمایه در آنها وجود ندارد کشورهای پیرامون اطلاق می شود . کشور کانون برای بقاء خود نیازمند انباشت سرمایه و تحصیل سود بیشتر می باشد و از هر روشی استفاده می کند تا بتواند هزینه تولید را کاهش و هزینه فرآورده صنعتی صادراتی خود را افزایش دهد . برای همین یا می بایستی مواد اولیه ارزان تهیه کنند و یا نیروی انسانی رایگان بدست آورد . طبق این تئوری دولتهای پیرامون می بایستی دولتهای ضعیف و بی اراده و دولتهای مرکزی می بایستی منسجم و قوی باشند . برای رسیدن به این منظور آنان سعی می کنند با فشارهای دیپلماتیک ، جنگهای روانی ، استفاده از همگرایی های خاص در سازمان ملل متحد و جنگ یا تهدید به آن کشورهای پیرامون را تضعیف نمایند . در میان دولتهای پیرامون و مرکز دولتهای نیز هستند که عامل ثبات سیستم بوده و پاس داشتن از نابرابری توزیعی

ثروتهای جهان که ناشی از نظام نوین جهانی است وظیفه آنان می باشد . دولتهای شبه پیرامون هم  
استثمار می کنند و هم استثمار می شوند . آنها اجازه ندارند در فعالیتهای اقتصادی با سود سرشار شرکت  
نمایند ولی در یک محدوده خاص می توانند و در حد تولید برخی از کالاهای خاص به فعالیت بپردازند .  
حال آنکه طیف فعالیت اقتصادی در مرکز بسیار گسترده است . هر چه سطح دستمزد و مهارت در  
کشورهای شبه پیرامون و پیرامون پایین تر است در کشور کانون عکس آن می باشد . سازمانهای  
مختلفی نیز در دنیا می بایستی بر این اصل مشروعیت دهند<sup>۳</sup> مانند بانک جهانی یا صندوق بین المللی  
پول و سازمانهای دیگر وابسته به مجامع جهانی .

کار ویژه دولتهای پیرامون صدور مواد اولیه ارزان قیمت و نیروی انسانی فوق العاده و خاص است<sup>۳</sup> لیکن  
آمریکا با وجود ۱۰/۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت منابع غنی ، تنوع اقلیمی و تمرکز سرمایه و ثروت می  
بایستی به عنوان یک سرزمین ژئواکونومیک کانون انباشت ثروت باشد . کشورهای آفریقایی ، بنگلادش  
، عراق و افغانستان کشور پیرامون و کشورهای کره ، تایوان ، سنگاپور ، برزیل که در نیمه دوم قرن  
بیستم از میدان کشورهای پیرامون گریخته اند کشورهای شبه پیرامون نام دارند .

در حقیقت هر کدام از اینان وظیفه خاصی طبق تئوری این نظام دارند. کشورهای شبه پیرامون موظفند  
با توسعه مراکز علمی و پیدایش مراکز آکادمیک خاص ولی نبود زیر ساخت های علمی - تخصصی ،  
نبود صنعت مادر ، فقر فرهنگی و اجتماعی و سوء مدیریت زمینه لازم را برای خروج نخبگان فراهم  
کنند . طبق این تئوری استعماری اگر کشورهایی مثل بنگلادش آدمهای توانمند خود را به وسیله فقر و  
تبعیض به ستوه درآورند بحث فرار مغزها و اگر کشورهای شبه پیرامون با تغییر برخی از فاکتورها و به  
وسیله برخی دیگر از عوامل مانند سوء مدیریت نخبگان را وادار به خروج کنند چرخش مغزها را خواهند  
داشت . در نتیجه عقب ماندگی کشورهای خاص نه به علت وضعیت داخلی آنان بلکه به سبب نحوه  
ارتباط با کشورهای دیگر metropolles سرمایه ای است و همواره آنان سعی می کنند این موازنه را  
حفظ نمایند . برخی از کشورها تا اندازه ای متوجه این نقش شده اند به عنوان مثال برای خنثی سازی  
جاذبیت کشور آمریکا برای نخبگان تربیت شده در کشور کوبا آنان به نحوی برنامه ریزی کرده اند<sup>۳</sup> که  
خود دولت نخبگان را به این کشورها گسیل می دارند تا طرحها و برنامه های تکنولوژیک آمریکا را در  
کوبا شبیه سازی کنند . در حقیقت آنها با علم و دانش رفته و در برگشت به کشور در مناطقی که می

توان مناطق آزاد تکنولوژی آنجا را نام نهاد مباحث فنی را به نفع دولت کوبا عرضه می کنند . در کشور آمریکا و یا روسیه برای نگهداشت مستعدین برنامه دیگری طراحی شده است . (۱)

با توجه به مختصر مطالب فوق یک عزم جدی و اراده ملی برای خنثی سازی این فرآیند در کشور ما نیز لازم بوده و ضروری است کلیه آحاد مسئولان کشور این موضوع را به صورت جدی مطالعه نمایند . به یقین این تعرض نرم از جنگهای معمول و لشگر کشی های قرن نوزده و اوایل قرن بیستم خسارات بیشتری برای کشور عزیز ما ایران دارد.

---

۱- در آمریکا منطقه ای به نام سیلیکون ولی (Silicon valley) وجود دارد که عاری از مالیات بوده و دولت فدرال برای شکوفا ساختن نبوغ دانش آموختگان و مستعدین در آن کشور تاسیس کرده است . در این منطقه هر کمکی که برای پیشرفت و ظهور نبوغ افراد لازم باشد در اختیار آنان قرار می گیرد .

در روسیه فرار مغزها پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی این کشور آغاز و در سال ۲۰۰۵ متوقف شد . آنان از الگوی آمریکا استفاده نمودند ، به طوری که در تابستان ۲۰۰۸ %۹۰ پوتین %۱۰ بودجه ۲۵ میلیارد دلاری برای بازگرداندن مغزها به روسیه و پیشبرد امور صنعتی ، تکنولوژیک و حرفه ای تصویب نمود . دیمتری میلووانتسوف معاون وزارت تکنولوژی و مخابرات روسیه طرح روسی را با اقتباس از %۹۰ سیلیکون ولی %۱۰ دانش آموختگان علوم کامپیوتر آغاز نمود و در حال حاضر روند مهاجرت در این کشور سیر معکوس پیدا نموده است .